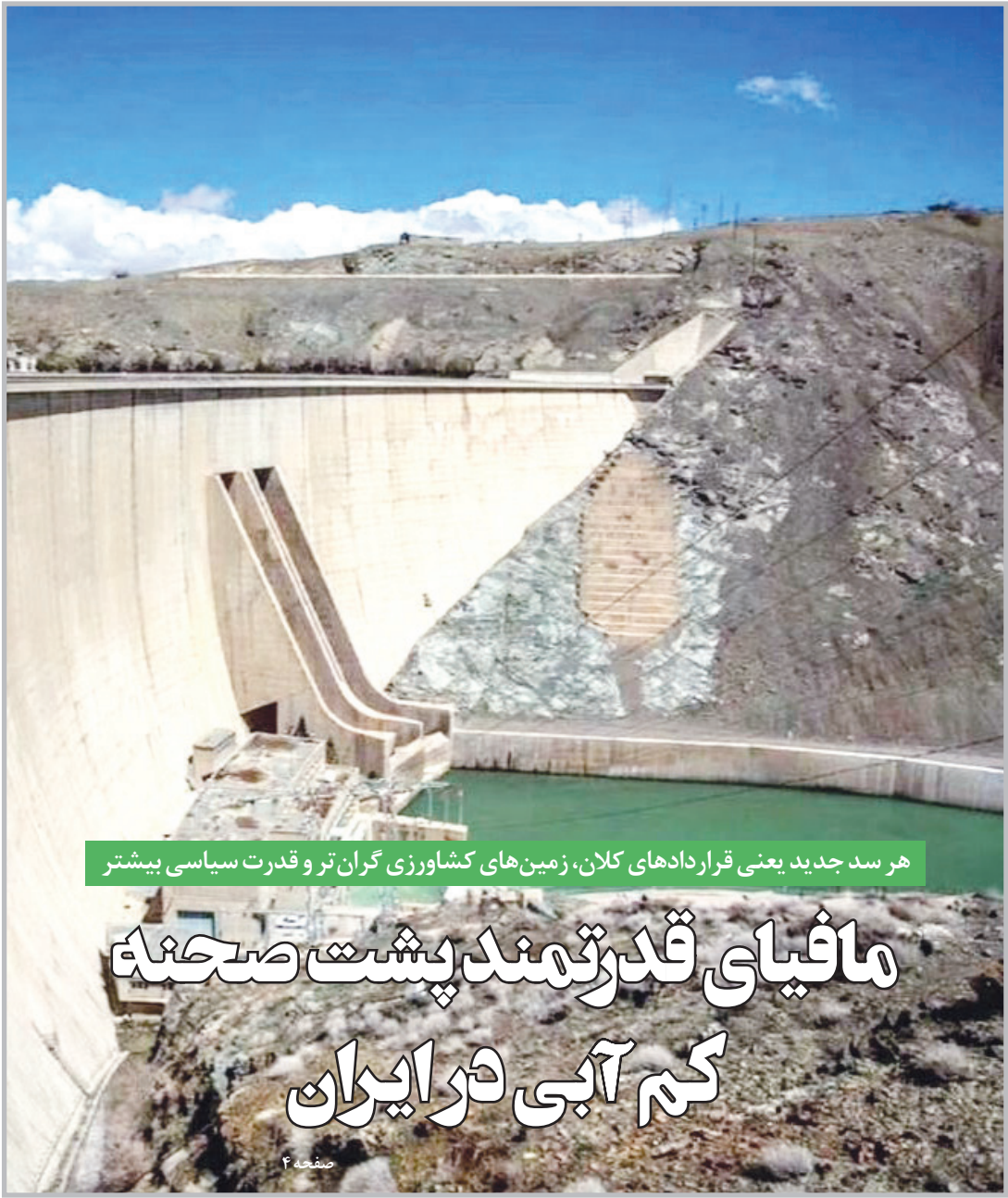


◆ چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۴ ◆ شماره ۲۰۸۳ ◆ سال نهم ◆ ۳۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ ◆ ۱۲ نوامبر ۲۰۲۵ ◆ ۸ صفحه ◆ ۱۰۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران



هر سد جدید یعنی قراردادهای کلان، زمین‌های کشاورزی گران‌تر و قدرت سیاسی بیشتر

ماfiای قدرتمند پشت صحنه کم‌آبی در ایران

صفحه ۴

یادداشت

رگ شما برای دزدی و فساد باد نمی‌کند؟

آقای مهربانی! باور کنید سعید کریمی را خیلی از مردم ایران نمی‌شناختند!

رسول مهربانی و اظهار نظری تند درباره بازیکن ملوان که کلیپی از او و همسرش در فضای مجازی منتشر شد. در اینکه این کلیپ خلاف مواضع قانونی مملکت بوده و ساختار آن متناسب با ساختار استاندارد در ایران نبوده شکی وجود ندارد، من حتی از نزدیکان سعید کریمی هم شنیدم که آن ویدئو مربوط به کلیپ عروسی شان بوده که در فضای مجازی پخش

یادداشت

سفری کوتاه اما پر بار به دنیای نویسندگان

هر جلسه‌ی دو ساعته از دوره‌ی مسیر نوشتن بسان سفری کوتاه اما پرپار در قلمرو داستان نویسی است. مدرسان با تمام توان و شور درونی، در همین زمان محدود، هنجرویان را به دنیای نویسندگان بزرگ می‌برند

هنوز چند روزی از انتشار یادداشت «مشق نوشتن از نگاه یک علاقه‌مند به نوشتن» نگذشته بود که خبر برگزاری دوره‌ی صد ساعته‌ی آموزش نویسندگی، توجه ام را جلب کرد. دوره‌ای که نام استادان و مدرسان آن، به‌خودی خود، نشان از اعتباری کم‌نظیر و فرصتی مغتنم برای علاقمندان به دنیای اندیشه و خیال داشت. دیدن تنها نام یکی از این استادان برای تصمیم به ثبت‌نام کافی بود؛ هر رسد به اینکه مجموعه‌ای چنین فرهیخته، باتجربه

یادداشت

زانوزدن مسئولین در برابر ملی‌گرایی!

آیا می دانید بنده چقدر از کودکی تا همین حالا ضربه از نام تعلیم یعنی «فرزین» خورده‌ام؟ در مدارس به دانش آموزانی که هر اسمی به جز ایرانی داشتند به بهانه های مختلف جایزه می‌دادند و مرا شرمنده نامم می‌کردند.

بعدها شاهد فیلم‌هایی بودم و هستیم که قاتلین و دزدان نامشان فرزین بود! در ادامه، این نام در استخدام و حتی گرفتن پست و عنوان چسبید بیخ ریشم و عاملی شد برای گزینش و مردودی درآزمون‌ها و گرفتن مقام!

عزیزان دل! تا می‌توانید قرآن بخوانید واژ آن بیاموزید. مثلا در آیه ۲۱۶ سوره مبارکه بقره می‌خوانیم:

«جنگ بر شما مقرر لازم شده حال آنکه برایتان ناخوشایند است؛ بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خیر است.»
حالا توصیه و فرمان فوق را وصل کنید به همین جنگ ۱۲ روزه خودمان که کمترین نتیجه‌اش شد: خوردن سر مبارک مسئولین و مدیران گرانسنگ به سنگ.
بله؛ این عزیزان همیشه دلسوز بالاخره بعد از نیم قرن تجربه و سعی و خطا و هزینه‌های گزاف

شده و خب ارتباطی هم به بنده ندارد.

حرفم با رسول مهربانی، یکی از مجریان برنامه های صبحگاهی صدا و سیما است. فقط یک موضوع را می خواهم مطرح کنم و از رسول مهربانی درباره اش بپرسم؛ اینکه چرا رگ گردن شما فقط برای سرک کشیدن در مسائلی اینچنینی باد می‌کند؟ (بالا توضیح دادم که فیلم منتشر شده مغایر با قوانین کشور است و هیچ کس انتشار چنین محتوایی را تایید نمی‌کند) آیا شما فراتر از یک مجری هستید که با ادبیاتی

ناخوشایند دنبال مطالبه گری هستید؟ قانون گذار هستید یا مجری قانون؟ این "مایی" که پشتش پنهان شده اید دقیقا یعنی چه کسانی هستند؟ شما و دوستان و رفقا یا بیننده های برنامه تان؟ البته که بعد بدانم بیننده‌ها هم با ادبیاتی این چنینی به دنبال مطالبه گری باشند.

آقای مهربانی! بدون شک خیلی از ورزشی نویسان هم شاید به سختی سعید کریمی را می‌شناختند اما نوع برخورد شما در مواجهه با یک منکر باعث شد هم آن فیلم غیر قابل عرف

سیگنال‌های متناقضی نیز از تهران درباره احتمال ازسرگیری مذاکرات شنیده‌می‌شود

دیپلماسی ایران و آمریکا در نقطه انجماد

صفحه ۲

«اتحادملت» پیامدهای تورم بالای ۴۰ درصد را بررسی می‌کند

فروپاشی تدریجی طبقه متوسط

بالا را دارد. افزایش قیمت خوراکی‌ها از ابتدای دولت مسعود پزنشکیان نیز به طرز چشم‌گیری به ۱۷۱ درصد رسیده است؛ این بدان معناست که شهروندان برای خرید مواد غذایی در مدت ۱۵ ماه، باید پول بیشتری به همین میزان بپردازند.

حمید حاجی‌اسماعیلی، کارشناس روابط کار، اخیراً اعلام کرده که میانگین حقوق دریافتی در ایران حدود ۱۷ میلیون تومان است، در حالی که خط فقر نسبی از ۵۵ میلیون تومان نیز عبور کرده است. این شکاف بزرگ بیانگر ضرورت حمایت فوری و جدی از حقوق‌بگیران است.

مهدی پازوکی در گفتگوی دیگری به کسری ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی بودجه دولت اشاره کرده و این مسأله را یکی از عوامل اصلی خلق پول و افزایش تورم عنوان کرده است.

شرح در صفحه ۵

۳ سناریو پیش روی آینده سیاسی عراق رقابت‌های انتخاباتی به‌ایستگاه‌پایانی رسید صفحه ۷	پیامدهای نزدیکی آمریکا به کشورهای آسیای میانه بررسی شد مسکوپکن زیر سایه وا شنگتن صفحه ۷	کدام استان‌ها بیشترین و کمترین خشکسالی را تجربه کرده‌اند ۱۴۰۴ رگورد کم بارش ترین سال در نیم قرن گذشته صفحه ۳
---	---	--

سخن نخست

از دعا تا تخلیه تهران؛ نسخه‌های عجیب برای بحران آب

حتی یک نگاه گذرا به تاریخ مدیریت منابع آب در ایران کافی‌ست تا بفهمیم بحران کم‌آبی امروز نه حاصل قهر آسمان، بلکه نتیجه بی‌تدبیری زمین است.

وقتی رئیس شورای شهر نسخه‌ی دعا و رئیس‌جمهور نسخه‌ی تخلیه‌ی تهران را به جای برنامه و راه‌حل تجویز می‌کنند، در واقع فاجعه‌ای بزرگ‌تر از خشکسالی رخ داده

بیش از اندازه دیده شود و هم سعید کریمی را خیلی از مردم ایران بشناسند.

دامن زند به این موضوع آیا به گسترش آن بیشتر کمک کرد یا پوشاندن آن؟ نقل است از حضرت علی (ع) که دیده را نادیده بگیرد و خطاهای یکدیگر را ببوشانید، حال چطور می‌شود که روی آنتن زنده و بدون رعایت اخلاق دینی یک‌موضوع را!اینچنین برجسته می‌کنید؟

آقای مهربانی! کاش آنجا که میلیارد میلیارد دلار ارز این

دفترچه یادداشت هنرجو پر می‌شود از ارجاعات ارزشمند، نام کتاب‌ها و نویسندگانی که باید خوانده شوند و نکاتی که تا مدت‌ها ذهن را به تأمل وادار می‌کند. بی‌تردید، چنین دوره‌ای تنها یک کلاس آموزشی نیست؛ فرصتی است برای درک واقعی تکنیک‌های نوشتن از زاویه‌ای تازه و تجربه‌ی زیسته در کنار لمس صداقت و عشق استادانی که تمام داشته‌های خود را بی‌دریغ در اختیار شاگردان قرار می‌دهند. تا این مرحله از دوره با؛ حسین سنایور از لب بر تیغ تا ویران می‌آیی به دو قدم آن‌ور خط احمد پوری رفته در سپیده‌دمی ایرانی با امیرحسن چهلتن به تماشای تالار آیینه نشسته و رضا جولایی را از سو‌قصد به ذات همایونی به خنده‌ی خورشید دعوت کرده و بعد تر با محمدحسن شهسواری



به‌قلم: مرتضی رضایی

مملکت خارج می‌شد، کاش آنجا که بانک آینده، احتمالا نابودی آینده خیلی‌ها را رقم زد و کاش آنجا که اختلاس و رانت ترند اخبار روز ایران بود هم صدا بلند می‌کردید و از بی‌حیالی‌های مردم که شکل و قیافه اشان فرق می‌کند سخن می‌گفتید! کاش آنجا هم فریاد می‌زدید و از مقام‌های مسئول می‌خواستید تا پیگیری کنند. این ای کاش‌ها سال‌هاست که در سینه خیلی از ایرانی‌ها مانده و حالا حالاها هم خوب نمی‌شود.



به‌قلم: محمد هادی جعفرپور

حرکت در مه را در برلینی‌های کاوه فولادی‌نسب به قدر مقدرات زمانه به نظاره نشسته ایم تا دختری با چتر قرمز از نگاه طنزآمیز نشانی که در سالروز تولد کورش بجای برگزاری مراسم گرامیداشت دل ادبیات معاصر ایران، از لب بر تیغ تا دختری با چتر قرمز، از حرکت در مه تا خنده‌ی خورشید، سفری که در هر آن آن می‌توان شیوه‌ای تازه از نگاه، نوشتن و اندیشیدن را تجربه کرد و با خالق برلینی‌ها عشق‌ورزی به میهن و دغدغه‌مندی برای مردم را مشق کرد. آغازی چنین شورانگیز بی‌شک با حضور بزرگانی چون محمود دولت آبادی، مصطفی مستور، هوشنگ مرادی کرمانی، شمس لنگرودی، گلی امامی، ساراسالار،عالیه‌عطایی،علی خدایی و استیونولتر پایانی درخشان خواهد داشت.



به‌قلم: فرزین پور محبی

نزادی و حقوق سیاه پوستان مخالفتند و فقط نشانش نمی‌دهند و رو نمی‌کنند). اما همین را هم به فال نیک می‌گیریم. نشان به آن نشانی که در سالروز تولد کورش بجای برگزاری مراسم گرامیداشت در پاسارگارد شاهد استقرار پلیس ضد شورشیم! تقویم‌مان را باز کنید و ببیند چند مناسبیت با رویدادهای ملی‌مان تنظیم و تعریف شده؟ چرا هیچ فیلم و سریال فاخری از تاریخ این کشور حداقل در حد خرم سلطان ساخته نمی‌شود؟! و...

به هر حال از اینکه بتدریج و باری به هر جهت شاهد ظهور المان‌هایی از ملیت و تاریخ‌مان هستیم شکرگزاریم هر چند می‌دانیم همه اینها در حد تظاهر و ادا و اصولند و باسمله‌ای و هیچکدام دلی نیست و با کلی اشکال و ایراد و با دستپاچگی و از سر ناچاری و اجبار سرهم و علم شده‌اند و هدف و نیت چیز دیگری است و در وقت مناسب همین به ظاهر روشنفکران و حامیان ملی‌گرایی فعلی ضربه خود را خواهند زد! هر کسی دور کو ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش...

اما بخیل نیستیم در این بیابان به لنگه کفش‌ها اکتفا می‌کنیم.

دست اندازی دشمنان، ناگاهان به خود آمزدند(البته طبق معمول دیر) و چیزی را که تا دیروز پشت گوش انداخته و زیر فرش می‌کردند آنرا بر سر گذاشتند و حلاو حلای‌شان کردند..هر چند به ظاهر-بر همین اساس کمیته‌های ضد تهاجم فرهنگی تشکیل شدو مسئولین متوجه شدند که می‌شود در خصوص کلمه «شاه» تا این حد آلرژی نداشت و تاریخ را به شکلی هدمفند و دوقطبی تفسیر نکرد. تازه داشت دستشان میامد که چه خوب و چه بد، باید از تاریخ صیانت کرد و حتی به آن افتخار کرد. آنها فهمیدند تاریخ دقیقا آن چیزی نیست که خسرو معتضد آنرا تفسیر می‌کند. حتی مداحان ما هم متوجه شدند تلفیق مذهب با ملیت چقدر می‌تواند در حفظ وطن موثر باشد و خیلی از درس‌های دیگری که متاسفانه مسئولین بعد از کلی صرف هزینه و عمر و حتی زندانی کردن خیلی از افراد و پیشنهاد جمع کردن و رفتن از این مملکت و... (آنها به جرم ملی‌گرایی) آموختند. هر چند همچنان مدیران‌مان ته دل‌شان با ملی‌گرایی مشکل دارند(درست مانند مسئولین آمریکا که علی‌رغم شعارها و وضع قوانین بسیار و... همچنان یواشکی با تبعیض